

بررسی عوامل موثر بر شکل گیری حاشیه نشینی در شهر ارومیه

امید مبارکی^۱

صمد اکبری^۲

چکیده

جهان به سرعت در حال گسترش زندگی شهری است. در حال حاضر، سرعت رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. در ایران نیز شهرنشینی با روندی سریع و شتابان همراه بوده و این رشد شتابان، مسائل و معضلات زیادی برای شهرهای بزرگ ایران (بویژه شهر ارومیه) بدنبال داشته است. هدف این تحقیق تبیین عوامل موثر بر شکل گیری حاشیه نشینی شهر ارومیه (بویژه محله اسلام آباد کشتارگاه) و پیامدهای آن بوده و روش تحقیق پیمایشی (Survey) است. شیوه نمونه گیری سهمیه ای (Quota) است. که توزیع آن به صورت تصادفی در بین ۳۸۴ نفر از ساکنان محله اسلام آباد کشتارگاه صورت گرفته است و داده ها با استفاده از روش های آماری و ضرایب همبستگی در نرم افزار Spss تحلیل شده اند. نتایج این پژوهش حاکی از آنست؛ از دلایل بسیار مهم حاشیه نشینی در شهر ارومیه می توان به بیکاری، درآمد کم، پایین بودن اجاره بهای مسکن و مهاجرت گسترده از محیط های شهری کوچک و روستاهای استان و استان های همجوار اشاره کرد، که ناشی از عوامل اقتصادی (جاذبه های اقتصادی شهر ارومیه و دافعه های اقتصادی شهرها و روستاهای اطراف) و دافعه های اجتماعی - فرهنگی در محل سکونت قبلی بوده است. و این امر موجب بروز انواع ناهنجاری های شهری (اشتغال افراد حاشیه نشین در مشاغل کاذب، وجود ساخت و سازهای غیرمجاز، افزایش جرم و جنایت، اثرات نامطلوب فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، آلودگی محیط زیست شهری و غیره) شده است.

واژگان کلیدی: جاذبه های شهری، مهاجرت، حاشیه نشینی، شهرنشینی، شهر تبریز

۱- استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مراغه

۲- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

مقدمه

حاشیه نشینی، فرجام تمدن صنعتی مدرن و یکی از تجلیات غم انگیز شهرنشینی سریع است. (Bane, ۲۰۰۲:۲). یکی از پدیده های همزاد شهرنشینی شتابان، رشد و گسترش حاشیه نشینی بوده است که به صورت قارچ گونه در اطراف شهرهای بزرگ تکثیر یافته است (نقدی، ۱۳۸۶: ۹). هر چند پرداختن به حاشیه نشینی در سنت جامعه شناسی غرب به ظهور مکتب شیکاگو در اوائل قرن بیستم برمی گردد و حتی پیش از آن نزد ابن خلدون به صورت گذرا در بحث مهاجرت روستائیان و عدم توان سکونت در متن اصلی شهر و رانده شدن به حاشیه اشاره شده است، اما پس از انقلاب صنعتی و به تبع آن انفجار شهرهای دنیای مدرن است که این موضوع تبدیل به مسئله اجتماعی شد (همان). در واقع انقلاب صنعتی سبب هجوم مهاجران و تازه واردان به نقاط شهری و پیشی گرفتن رشد سکنه نقاط شهری بر رشد امکانات و فرصت ها و در نتیجه منجر به انفجار شهری در جهان گردید و بخشی از این جمعیت شهری نتوانستند استانداردهای لازم برای یک زندگی سالم را تأمین کنند. این گروه با هجوم به حومه ها زمینه گسترش حاشیه نشینی را فراهم ساختند و آن را تبدیل به معضلی برای همه ی شهرهای جهان نمودند. تا جایی که امروز براساس آمارهای اسکان بشر سازمان ملل متحد حدود یک میلیارد از ساکنان شهری در حاشیه و زاغه زندگی می کنند (Martinez & Habitat:۲۰۰۹: et al:۲۰۰۸). و پیش بینی می شود که در ۳۰ سال آینده تعداد حاشیه نشینان جهان به ۲ میلیارد نفر برسد (Habitat:۲۰۰۳) البته سرعت این تحولات جمعیتی که پیامد آن گسترش حاشیه نشینی است، در کشورهای کمتر توسعه یافته بسیار شتابان است، چرا که رشد شهری در کشورهای در حال توسعه همراه بوده با افزایش تعداد سکنه ساکن در مناطقی که فاقد شرایط استاندارد و درحاشیه ها زندگی می کنند (chowdhury & et al :۲۰۰۶). در این گونه کشورها همچنین گذار جمعیتی در زمان بسیار کوتاه تر از کشورهای توسعه یافته صورت گرفت و منجر به گسترش میزان شهرنشینی در جوامع یاد شده در دهه های میانی قرن بیستم گردید. بر خلاف جوامع صنعتی که آمادگی تقریبی برای پذیرش مهاجران به دلیل وقوع انقلاب صنعتی وجود داشت، در این کشورها انتقال جمعیت نقاط روستایی به مراکز شهری بیشتر برای فرار از محدودیت های اقتصادی و اجتماعی و طبیعی جوامع روستائی صورت گرفت و شهرهای جهان سومی آمادگی پذیرش این حجم عظیم از میهمانان ناخوانده را نداشت. یکی از پیامدهای چنین الگوی رشد شهری پیدایش زاغه ها و ناکجا آبادهای بسیاری در حاشیه اغلب شهرها بخصوص پایتخت و تعداد انگشت شماری مراکز و قطب های رشد بود (نقدی و زارع، ۱۳۹۱: ۸۱-۶۵). در ایران نیز جریان سریع شهرنشینی در چندین سال گذشته، حاشیه نشینی را به دنبال داشته و این پدیده در حال رشد، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، و زیست محیطی فراوانی را در اغلب کلانشهرهای ایران به وجود آورده است. واقعیت دیگری را نیز باید به عنوان عامل اساسی در رشد شهرهای جهان سوم علی الخصوص کشور ایران مورد توجه قرار داد و آن

نرخ بالای مهاجرت از مناطق روستایی به شهرها می‌باشد. میزان بالایی از جمعیت شهرنشین کشورهای در حال توسعه ناشی از مسأله مهاجرت می‌باشد. اقبال کم درآمد ساکن در مناطق روستایی و شاغل در فعالیت‌های تولید سنتی به جهت در حاشیه واقع شدن این بخش و به منظور رهایی از فقر و بهره‌گیری از خدمات و امکانات، راهی شهرها می‌شوند و از اینجاست که شهر در حال توسعه فرهنگ دوگانه‌ای می‌یابد، جزیره‌ای ثروتمند و محصور در کمربندی سیاه از محرومیت‌ها و بدبختی‌ها (ربانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۸۹-۱۱۴). شهر دارای یک آستانه جمعیتی است و هدف آن برآوردن نیازهای آن جمعیت است. رشد جمعیت در کشورهای توسعه یافته نظم نسبی یافته است، ولی این امر در کشورهای در حال توسعه به علت مهاجرت‌های بی‌رویه چندان سازماندهی نشده است (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۲). شکل‌گیری حاشیه نشینی در ایران (با وجود ویژگی‌های منحصر به فرد و تفاوت‌هایی که با سایر کشورهای در حال توسعه دارد) ریشه در توسعه برون‌زا و رشد بسیار سریع شهرنشینی دارد، که آغاز آن به طور تقریبی مقارن است با سال‌های آغازین سال ۱۳۰۰، (حسامیان و همکاران، ۱۳۷۷: ۳۷). استقرار حکومت رضاخان و آغاز گسترش ارتباط اقتصادی سرمایه‌داری که موجب ایجاد تحولاتی در شیوه‌های تولید و به دنبال آن دگرگونی‌هایی در شبکه شهری و روستاها شده و نهایتاً موجب ایجاد کلان‌شهرهایی چند در کشور، به عنوان محل تمرکز همه فعالیت‌های صنعتی جدید ایجاد کرد. اوج این حرکت که اتکای سرمایه‌گذاری‌های صنعتی بر آن ناشی از فروش نفت بوده است، حدود سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ بوده است (پارسا پزوه، ۱۳۸۳: ۱۶۷). و نتیجه آن مهاجرت‌های عظیم روستائیان به شهرها و افزایش شدید جمعیت روستایی در چند شهر بزرگ بوده است که منجر به بروز اشکال آلونک‌نشینی در برخی از این شهرها شده است. ارومیه به عنوان یکی از کلان‌شهرهایی است که درگیر با مسأله حاشیه نشینی است، محلاتی مثل علی‌آباد، اسلام‌آباد، حسین‌آباد حاجی‌پیرلو، کوی لاله‌سالار، قره‌باغ، طرزیلو و ... مناطق حاشیه‌نشین کلان‌شهر ارومیه می‌باشند. از پرجمعیت‌ترین محلات حاشیه‌نشین در ارومیه محله اسلام‌آباد کشتارگاه است که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. از پیامدهای حاشیه نشینی در شهر ارومیه می‌توان به انواع ناهنجاری‌ها اشاره کرد؛ اشتغال افراد حاشیه‌نشین در مشاغل غیر رسمی و کاذب، وجود ساخت و سازهای غیر مجاز، عدم توانایی شهرداری‌ها برای ارائه خدمات مناسب در این مناطق، آلودگی محیط زیست، اثرات نامطلوب فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همه و همه از جمله آثار مخرب و حاشیه‌نشینی، چه بر روی ساکنان آن مناطق و چه بر روی دیگر افراد ساکن در شهر ارومیه هستند. از این رو به نظر می‌رسد پرداختن به مسأله حاشیه نشینی در این شهر و توجه به علل شکل‌گیری آن و آثار نامطلوبش ضرورتی دوچندان می‌یابد، زیرا شناسایی علل این پدیده و ارائه راهکار در جهت بهبود آن، موجبات برابری در بافت شهری را که از شاخص‌های توسعه پایدار است، فراهم می‌کند.

پیشینه تحقیق

حاشیه نشینی یا گتو واژه ای است که اولین بار در سال ۱۵۱۶ در ونیز به کار گرفته شد، ولی اگر به دنبال سیر حاشیه نشینی در طول تاریخ باشیم به قدمتی کهن تر از ونیز به دوران ساسانیان می رسیم، جایی که اسیران جنگی را در مراکز جدا از مردم در حاشیه شهرها سکنی می دادند. در تاریخ اسلام هم گتوهای یهودی نشین چون خیبر، بنی نظیر و بنی قینقاع وجود داشت. در سال ۱۱۷۹ شورای کلیسا زندگی مسیحیان را در میان یهودیان ممنوع کرد که موجب ایجاد گتوهای یهودی نشین در اطراف شهرهای بزرگ اروپایی شد. در ایران نیز سابقه حاشیه نشینی جدید به سال ۳۲ (سال کودتای آمریکایی) می رسد، اما قطعاً اوج حاشیه نشینی با آغاز اصلاحات ارضی هم زمان است. در این زمان نخستین اجتماعات آلونک نشین در کوره های آجر پزی جنوب تهران شکل گرفتند، تا نیروی انسانی ارزان برای تأمین مواد اولیه شهر رو به رشد تهران فراهم شود. اما به طور کلی می توان شروع تاریخچه حاشیه نشینی مدرن در ایران را اینگونه بیان کرد: گسترش تأسیسات شهری و افزایش درآمد حاصل از نفت، عامل ایجاد جاذبه شهری و رونق شهری شده است که این امر در کنار اصلاحات ارضی و مکانیزاسیون عوامل اصلی بروز حاشیه نشینی در ایران شد. اما قطعاً اصلی ترین عامل بروز حاشیه نشینی در ایران اصلاحات ارضی بود (رسولی، ۱۳۹۱).

- **مانوئل کاستز** در کتاب مسأله شهری در سال (۱۹۷۷) درباره ی گروه های حاشیه نشین در کشورهای در حال توسعه می گوید: شهرنشینی با آهنگ شتابنده ای گسترش می یابد، درحالی که امکانات اشتغال مولد برای جمعیت تازه واردان (مهاجران) فراهم نیست، امکانات و تسهیلات زیر بنایی، فرهنگی اجتماعی و فیزیکی، سکونتگاه ها و محله های نامتعارف از قبیل زاغه ها و آلونک های حاشیه ای که از طریق مهاجران تازه وارد و تهی دست برپا شده، به شیوه خودرو و خودساز به وجود می آیند. در نهایت وی حاشیه نشینی را مولود نابرابری های اجتماعی-اقتصادی و شهرنشینی ناهمگون و انتقال فقر روستایی به فقر شهری می داند.

- **الدوینگ و نورث** (۲۰۰۷) به بررسی حاشیه نشینی جوانان مهاجر و عوامل خطر در زندگی روزمره آنها در اروپای غربی پرداخته اند. این تحقیق بیان می کند که جوانان مهاجر نشین، نسبت به جوانان بومی بیشتر در خطر هستند. همچنین مشکلات و مسائل خانواده های مهاجر در اروپای شمال غربی، به ویژه جوانان مهاجر را که مواجه با اولین دوره پس از مهاجرت هستند را نشان می دهد. یافته های این پژوهش بیان می کند که خانوارهای مهاجر به محض رسیدن به مقصد دچار تعارض و ناهمگونی فرهنگی می شوند.

- **ربانی** (۱۳۸۱)، در یک پژوهش میدانی به بررسی حاشیه نشینی، مشارکت و مسائل اجتماعی شهری در منطقه ارزنان اصفهان پرداخته است. هدف از این بررسی مورد مطالعه قرار دادن دو عامل حاشیه نشینی و مشارکت که نقش کلیدی در ایجاد، تداوم گسترده و ویژگی های مسائل اجتماعی شهری دارند، بوده است. یافته های این بررسی نشان داده که مشارکت اجتماعی بین

ساکنان محله بسیار اندک بوده (۲ درصد) و ۹۸ درصد پاسخ‌گویان در هیچ‌گونه فعالیت دسته‌جمعی و گروهی شرکت نداشته‌اند؛ بیش از ۸۰ درصد حاشیه‌نشین‌ها به طریقی با ناهنجاری‌ها از جمله پدیده قاچاق مواد مخدر، خشونت‌های جنسی و غیره سر و کار داشته‌اند و همچنین بیکاری و فقر فرهنگی-آموزشی منطقه موجب آلودگی ناهنجاری برای شهر اصفهان شده است.

- **زاهد زاهدانی و آذرگون (۱۳۸۷)**، در تحقیقی به بررسی تطبیقی تفاوت فرهنگ حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین و عوامل اقتصادی-اجتماعی موثر بر آن در میان جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال مناطق یک و پنج شهر شیراز پرداخته‌اند. در این بررسی نحوه همسرگزینی، خانواده‌گرایی، مردم‌سالاری و دین‌محوری چهار شاخص فرهنگی بوده که تفاوت‌های آنان به عنوان تفاوت‌های فرهنگی بین حاشیه‌نشینان و غیر حاشیه‌نشینان مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که متغیرهای شغل مادر، شغل پدر، و استفاده از رسانه، بعد خانوار، تحصیلات فرد و تحصیلات مادر در گروه غیر حاشیه‌نشین و متغیرهای استفاده از رسانه، شغل پدر، بعد خانوار، و تحصیلات فرد برای کل نمونه، مهمترین متغیرهایی هستند که تغییرات فرهنگ را در این پژوهش تبیین می‌کند. این متغیرها برای گروه غیر حاشیه‌نشین ۷۰ درصد، برای حاشیه‌نشین ۶۱ درصد و برای کل نمونه ۷۸ درصد از واریانس کل متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند.

- **محمد امینی و علیزاده اقدام (۱۳۹۱)**، در مقاله‌ای به بررسی حاشیه‌نشینی و مسائل اجتماعی-فرهنگی در شهر خمین پرداخته‌اند؛ در این پژوهش نمونه‌ها بر اساس فرمول کوکران تعیین و مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که مهاجرت از روستاها به اطراف شهر خمین مهم‌ترین مسئله اجتماعی شکل‌دهنده به حاشیه‌نشینی بوده است، و پس از آن پس‌ران‌های شهری مانع از ورود افراد به شهرها شده است. همچنین مشخص شد که بین گرایش به مشارکت اجتماعی، سیاسی و احساس حاشیه‌نشینی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد.

اهمیت موضوع تحقیق

یکی از پدیده‌های گسترش شهرنشینی سریع در کشور ما، ایجاد بافت نامتعارف در محدوده شهر است که به نام‌هایی همچون حاشیه‌نشینی، بافت نابسامان، اسکان غیر رسمی و... از آن نام برده می‌شود. آن چه در شکل نابهنجار حاشیه‌ها نسبت به بافت متداول شهر مشاهده می‌شود، تجلی فقدان نیاز برآورد شدن مسکن و سرپناه اقشار کم‌درآمدی است که در فضای رسمی و برنامه‌ریزی شده شهر جایی ندارند و در فرار از محدودیت‌های قانونی خارج از توان خود، به برپایی سکونتگاه‌های نابسامان در حاشیه شهر می‌پردازند، تا به فرصت‌های درآمدی و اشتغال شهری دسترسی داشته باشند. حاشیه‌نشینی شیوه شهرنشینی ناپایدار و ناسالم است و حامل آسیب‌های اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی می‌باشد که رویارویی و ساماندهی آن نیازمند صرف هزینه‌های اجتماعی سنگین، حداقل در مقیاسه با هزینه‌های پیشگیری و هدایت

صحیح و زود هنگام خواهد بود. توجه زود هنگام به این مسئله از دو جهت دارای اهمیت است، از یک طرف به وجود سکونتگاههایی با ناهنجاری های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی برمی گردد که نیاز مبرم به ارتقاء محیطی، تامین خدمات اجتماعی و زیر بنایی دارند و از سوی دیگر به چشم انداز نگران کننده ی افزایش اینگونه سکونتگاه ها در آینده می نگرند که نیازمند تدابیر و اقدامات از پیش اندیشیده ای می باشد. بنابراین اهمیت مسئله حاشیه نشینی هم از نظر حقوق و ارزش های انسانی و هم از نظر منافع اقتصادی و اجتماعی و توسعه ملی بسیار ضروری است.

روش تحقیق

این پژوهش با توجه به موضوع تحقیق و در راستای اهداف تعریف شده، از نوع کاربردی و روش تحقیق پیمایش است. جامعه آماری تحقیق شامل مناطق حاشیه نشین ارومیه (محلّه اسلام آباد کشتارگاه) می باشد. سنجش پایایی سوالات مربوط به پرسش نامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ انجام گردید، تا با محاسبه این ضریب به پایایی درونی گویه ها پی برده شود. با استفاده از مبانی نظری و پیشینه تحقیقات انجام گرفته و مشاهده محلات حاشیه نشین، پرسش نامه ای طراحی شده و در بین اعضای نمونه انتخاب شده توزیع شده است. علت انتخاب پرسش نامه، جمع آوری اطلاعات وسیع و حجم افراد جامعه می باشد. پس از تدوین و تبیین شاخص های حاشیه نشینی، پایلوت پرسشنامه ها به طور سیستماتیک صورت گرفته، سپس داده ها و اطلاعات جمع آوری شده، با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفته و یافته ها در قالب جدول و نقشه ارائه می شوند.

$$N = \frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)^2} = 384$$

$$1 + \frac{1}{16618} \left(\frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)^2} - 1 \right)$$

$$N = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{482} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} \Rightarrow$$

محدوده مورد مطالعه

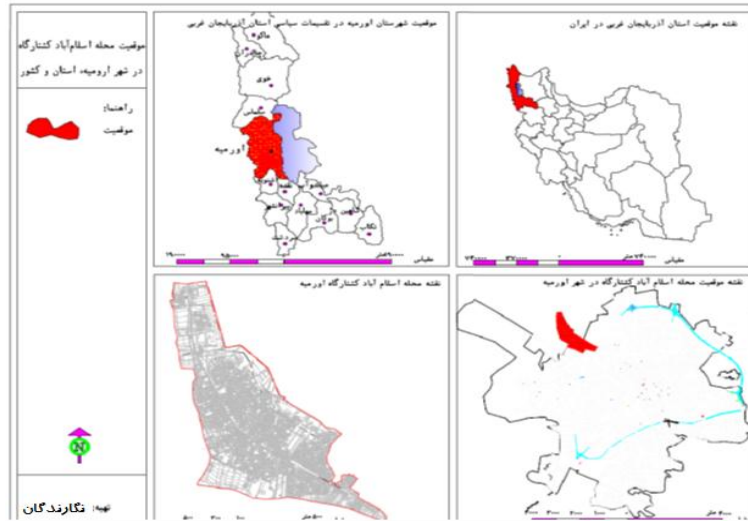
شهرستان ارومیه یکی از شهرستان های چهارده گانه استان آذربایجان غربی است که در قسمت میانی استان قرار گرفته است. این شهر مرکز استان آذربایجان غربی است که از پنج بخش تشکیل شده است. در سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰ جمعیت شهر ارومیه ۶۶۴۷۹۹ نفر و متوسط رشد سالانه جمعیت ۲/۷۴ درصد اعلام شده است. همچنین بعد خانوار ۳/۳۷ نفر گزارش شده است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۰). ارومیه یک شهر خدماتی است و اکثر شاغلین آن در این بخش فعالیت می کنند. محدوده شهری ارومیه حدود ۱۰۵۴۸ هکتار می باشد (شهرداری ارومیه، ۱۳۹۲). علت اصلی شکل گیری سکونتگاه های غیر رسمی، فقر شهری است که

مهاجرت های روستا - شهری در این زمینه نقش بسیار مهمی دارند (خاتم، ۱۳۸۰) ارومیه مانند دیگر شهرهای ایران از مشکل سکونتگاههای غیررسمی دور نبوده و طبق شواهد موجود در مجموع ۲۳ محله اسکان غیر رسمی در شهر ارومیه شناسایی شده است، که عبارتند از باغ صفر، دانش یک، شیخ شلتوت، ترانس، شاکری، هفت خانه، محله پشت بانک سپه، حاجی پیرلو، اسلام آباد ۲، وکیل آباد، خاتون جان، طرزیلو، سالار، انهر، چلو قاپان، سنایی، الواج، اسلام آباد کشتارگاه، کوی لاله، اسرای عراقی (قرنطینه) کویرشادت، روستای دیگاله و محلات مجاور دیگاله (عابدینی ۱۳۸۷: ۸۴). محدوده مورد مطالعه که موسوم به اسلام آباد کشتارگاه است، در شمال غربی شهر ارومیه و در دامنه های جنوبی و جنوب غربی تپه ای موسوم به جهودلر داغی (کوه یهودان) قرار گرفته است. این محدوده از شمال شرقی به کوه یهودان و گورستان باغ رضوان، از قسمت شمال غربی به روستای ولنده - بادکی، از جنوب به چمنهای خاتون جان، از غرب به نهر بادکی و اراضی کشاورزی و از شرق به بلوار شهید رجایی محدود می شود و وسعت آن ۱۳۳/۱ هکتار می باشد. سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن در طی دوره های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشاندهنده، برخی از ویژگی های جمعیتی - اجتماعی ساکنان این محدوده است.

جدول شماره ۱: جمعیت محله اسلام آباد کشتارگاه در دوره های آماری مختلف

سال	خانوار	جمعیت
۱۳۶۵	۷۶۵	۵۶۰۵
۱۳۷۵	۱۷۲۲	۱۰۹۹۷
۱۳۸۵	۲۱۳۹	۱۳۶۰۳
۱۳۹۰	۲۳۰۵	۱۶۶۱۸

منبع: مرکز آمار ایران



شکل شماره ۱: نقشه محدوده مورد مطالعه

یافته ها و بحث

آمار توصیفی

بر اساس نتایج حاصل از پرسشنامه، تعداد ۲۹۹ نفر از پاسخگویان مرد (۷۷/۹ درصد) و تعداد ۸۵ نفر زن (۲۲/۱ درصد)، به لحاظ تحصیلات تعداد ۱۲۴ نفر (۳۲/۳ درصد) زیر دیپلم، ۷۷ نفر دیپلم (۲۰/۱ درصد)، تعداد ۶۸ نفر فوق دیپلم (۱۷/۷ درصد)، تعداد ۸۶ نفر لیسانس (۲۲/۴ درصد) و تعداد ۲۹ نفر (۶/۷ درصد) فوق لیسانس و بالاتر، به لحاظ سن، تعداد ۹ نفر (۲/۳ درصد) دارای سن ۲۰ الی ۲۵ سال، ۲۲۱ نفر (۵۷/۶ درصد) دارای سن ۲۵ الی ۳۰، تعداد ۸۴ نفر (۲۱/۹ درصد) دارای سن ۳۰ الی ۳۵ سال، تعداد ۶۳ نفر (۱۶/۴ درصد) دارای سن ۳۵ الی ۴۰ سال و تعداد ۷ نفر (۱/۸ درصد) بالاتر از ۴۵ سال، به لحاظ درآمد، تعداد ۸۶ نفر (۲۲/۴ درصد) دارای درآمد کمتر از ۲۰۰ هزار تومان، ۶۹ نفر (۱۸ درصد) دارای درآمد بین ۲۰۰ هزار الی ۵۰۰ هزار تومان، ۷۷ نفر (۲۰/۱ درصد) دارای درآمد بین ۵۰۰ الی ۱ میلیون، ۱۲۳ نفر (۳۲ درصد) دارای درآمد بین ۱ الی ۲ میلیون تومان و ۲۹ نفر (۷/۶ درصد) دارای درآمد بالاتر از ۲ میلیون تومان بوده اند.

آمار استنباطی

– جاذبه های اقتصادی

بر اساس جدول شماره ۲، همه شاخص های مربوط به جاذبه های اقتصادی شهر ارومیه به غیر از نزدیکی به محل کار معنی دار می باشند. به طوریکه دست یابی به شغل بهتر (با متوسط ۲/۸۳)، ارزانی زمین و خانه (متوسط ۲/۳۷)، درآمد بیشتر (متوسط ۳/۱۹) امکانات آموزشی (متوسط

۲/۰۶)، امکانات رفاهی (متوسط ۳/۰۸) در ایجاد جاذبه های اقتصادی محل سکونت موثر می باشند و فقط نزدیکی به محل کار در این مورد تاثیر ندارد.

جدول شماره ۲: آزمون جاذبه های اقتصادی شهر ارومیه

درجه معنی داری	Chi-Square	درجه آزادی	میانگین	فراوانی داده های مشاهده شده					فراوانی شاخص
				خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۰/۰۰۰	۱۶۵/۰	۴	۲/۸۳	۱۰/۴	۶	۱۲/۲	۳۲/۶	۳۸/۸	دستیابی به شغل بهتر
۰/۰۰۰	۱۷۰/۳	۴	۲/۳۷	۲/۱۶	۴۱/۱	۱/۶	۲۴/۵	۱۱/۲	ارزانی زمین و خانه
۰/۰۰۰	۳۱۹/۱	۴	۳/۱۹	۴۳/۲	۴۰/۶	۱۱/۵	۱/۸	۲/۹	درآمد بیشتر
۰/۰۰۰	۴۹۵/۸	۴	۲/۰۶	۲۳/۴	۱۹/۳	۱۹/۳	۱۶/۷	۲۱/۴	امکانات آموزشی
۰/۰۰۰	۲۶۹/۸	۴	۳/۰۸	۴۵/۳	۳۳/۶	۶/۸	۱۳/۳	۱	امکانات رفاهی
۰/۲۹۲	۲۲۵/۵	۴	۳/۰۲	۴/۹	۴/۷	۱۳/۸	۳۸/۵	۴۰/۱	نزدیکی به محل کار

آزمون شاخص های جاذبه های اقتصادی با استفاده از χ^2 دو نشان می دهد که مقدار χ^2 دو برابر با $266/3$ و درجه آزادی ۴ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ است. بنابراین بین جاذبه های اقتصادی محل سکونت و حاشیه نشینی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۳: آزمون جاذبه های اقتصادی شهر ارومیه با استفاده از χ^2 دو

متغیر	درجه آزادی	Chi-Square	Asymp.sig درجه معنی داری
جاذبه های اقتصادی شهر محل سکونت	۴	۲۶۶/۳	۰/۰۰۰

– دافعه های اقتصادی محل سکونت قبلی

براساس جدول شماره ۴، همه شاخص های مربوط به دافعه های اقتصادی محل سکونت قبلی معنی دار می باشند. بیکاری در محل قبلی (متوسط ۰/۹۲۱۹)، درآمد قبلی (متوسط ۱/۶۱۹۸)، شغل نامناسب (متوسط ۲/۸۶۲۰)، عدم دسترسی به امکانات آموزشی (متوسط ۲/۳۹۳۲)، عدم دسترسی به امکانات رفاهی (متوسط ۱/۴۰۸۹)، نداشتن زمین (متوسط ۳/۲۰۳۱)، عدم دسترسی به راه های ارتباطی مناسب (متوسط ۱/۲۱۶۱)، مکانیزه شدن کشاورزی (متوسط ۲/۴۱۶۷)، کاهش منابع مالی و عدم توجه به کشاورزی (متوسط ۱/۴۸۱۸) و فرار از شرایط سخت زندگی (متوسط ۱/۴۹۷۴) در ایجاد دافعه های اقتصادی محل سکونت قبلی موثر می باشند.

جدول شماره ۴: آزمون شاخص های دافعه های اقتصادی محل سکونت قبلی

درجه معنی داری Asymp.sig	Chi-Square	درجه آزادی	میانگین	فراوانی داده های مشاهده شده					فراوانی شاخص
				خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۰/۰۰۰	۲۶۳/۱	۴	۱/۹۲۱	۸/۱	۲۱/۴	۱۳/۳	۳۹/۱	۱۸/۲	بیکاری در محل قبلی
۰/۰۰۰	۱۰۶/۷	۴	۱/۶۱	۳۲/۳	۴۲/۲	۱۱/۲	۸/۱	۶/۲	درآمد قبلی
۰/۰۰۰	۳۰۲	۴	۲/۸۶	۲۱/۱	۳۵/۹	۱۱/۲	۲۴/۷	۷	شغل نامناسب
۰/۰۰۰	۱۰۰/۵	۴	۲/۳۹	۴/۹	۱۲/۲	۲۱/۹	۴۰/۶	۲۰/۳	عدم دسترسی به امکانات آموزشی
۰/۰۰۰	۱۳۷/۴	۴	۱/۴۰	۳۸	۵۰/۵	۶/۸	۳/۱	۱/۶	عدم دسترسی به امکانات رفاهی
۰/۰۰۰	۳۹۴/۸	۴	۳/۲۰	۳۶/۲	۴۵/۱	۴/۴	۱۰/۲	۴/۲	نداشتن زمین
۰/۰۰۰	۴۶۱/۵۶		۲/۲۱	۱۵/۹	۳۲	۲۱/۱	۲۱/۸	۱۱/۲	عدم دسترسی به راه های ارتباطی مناسب
۰/۰۰۰	۵۴/۴۳۸	۴	۲/۴۱	۲۲/۴	۳۲	۱۸	۲۰/۱	۷/۶	مکانیزه شدن کشاورزی
۰/۰۰۰	۹۳/۲۱۴	۴	۱/۴۸	۳/۱	۱۷/۲	۲۵/۸	۳۲/۶	۲۱/۴	کاهش منابع مالی و عدم توجه به کشاورزی
۰/۰۰۰	۵۸/۰۵	۴	۱/۴۹	۱۱/۲	۱۲/۲	۱۹/۳	۳۰/۵	۲۷/۱	فرار از شرایط سخت زندگی

آزمون شاخص های دافعه های اقتصادی با استفاده از χ^2 دو نشان می دهد؛ مقدار χ^2 دو برابر با $141/2$ و درجه آزادی ۴ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ می باشد و نشان می دهد بین دافعه های اقتصادی محل سکونت قبلی و حاشیه نشینی در شهر ارومیه رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۵: آزمون دافعه های اقتصادی محل سکونت قبلی با استفاده از χ^2 دو

درجه معنی داری Asymp.sig	Chi-Square	درجه آزادی	متغیر
۰/۰۰۰	۱۴۱/۲	۴	دافعه های اقتصادی محل سکونت قبلی

دافعه های اجتماعی - فرهنگی محل سکونت قبلی

بر اساس جدول شماره ۶؛ همه شاخص های مربوط به دافعه های فرهنگی - اجتماعی محل سکونت قبلی، معنی دار می باشند. به طوری که شاخص پایین بودن ارزش کار (متوسط ۲۶۰/۲)، اختلافات قومی (متوسط ۲/۹۳۷۵)، دوری از اقوام و آشنایان (متوسط ۲/۹۸۹۶)، نبود زمینه برای خلاقیت (متوسط ۲/۸۲۰۳)، نبود زمینه برای رشد شخصیت (متوسط ۲/۲۱۶۱)، عدم زمینه مناسب جهت ازدواج (متوسط ۲/۳۷۵۰)، عدم تحول و پیشرفت (متوسط ۲/۴۱۶۷) و محیط بسته و ضعف ارتباطات فرهنگی (متوسط ۱/۴۰۸۹) در ایجاد دافعه های فرهنگی - اجتماعی محل سکونت قبلی موثر می باشند.

جدول شماره ۶: آزمون شاخص‌های دافعه‌های فرهنگی-اجتماعی محل سکونت قبلی

درجه معنی داری Asymp.sig	Chi-Square	درجه آزادی	میانگین	فراوانی داده‌های مشاهده شده				فراوانی		شاخص
				خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	زیاد	
۰/۰۰۰	۳۷۰/۴۲	۴	۲/۰۲	۱۶/۱	۲۵/۵	۱۶/۱	۲۹/۲	۱۳	پایین بودن ارزش کار	
۰/۰۰۰	۳۱۷/۸	۴	۲/۹۳	۲۸/۴	۵۲/۱	۸/۶	۶/۸	۴/۳	اختلافات قومی	
۰/۰۰۰	۲۸۴/۲	۴	۲/۹۸	۳۶/۲	۴۵/۱	۴/۴	۱۰/۳	۴/۳	دوری از اقوام و آشنایان	
۰/۰۰۰	۸۷/۵۶	۳	۲/۸۲	۴۲/۹	۲۸/۱	۱۳/۱	۱۱/۷	۱۷/۲	نبود زمینه برای خلاقیت	
۰/۰۰۰	۴۶۱/۵۶	۴	۲/۲۱	۱۵/۹	۳۲	۲/۱۱	۱۹/۸	۱۱/۲	نبود زمینه برای رشد شخصیت	
۰/۰۰۰	۱۷۰/۳	۴	۲/۳۷	۱۱/۲	۲۴/۵	۱/۶	۴۱/۱	۲۱/۶	عدم زمینه مناسب جهت ازدواج	
۰/۰۰۰	۵۹۴/۳۸	۴	۲/۴۱	۷/۶	۲۰/۱	۱۸	۳۲	۲۲/۴	عدم تحول و پیشرفت	
۰/۰۰۰	۱۳۷/۴	۴	۱/۴۰	۴/۹	۱۲/۲	۲۱/۹	۴۰/۶	۲۰/۳	محیط بسته و ضعف ارتباطات فرهنگی	

پیامدهای حاشیه نشینی

به دنبال پدیدار شدن اجتماعات حاشیه نشین، مسائل و مشکلاتی دامنگیر شهرها شد، که شاید بطور مستقیم زاده مسأله حاشیه نشینی بود، ولی در واقع تأثیر غیر مستقیمی است که عوامل بوجود آورنده و تشدید کننده حاشیه نشینی مسبب آنند. تأثیرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و گاه سیاسی حاشیه نشینی بر سیستم اقتصادی حاکم بر کل جامعه، بر روابط اجتماعی و محیط زندگی شهری و همچنین بر فرهنگی که با آن در تماس هستند و محیط زیستی که به آلودگی و خطرات موجود در آن دامن می‌زند، بسیار خطرناک و مخرب است (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۷۸: ۱۴۱) حاشیه نشینی به مثابه فرو ریختن مبانی فرهنگی مجموعه‌های پیشین است و موجب پیدایش محیط‌هایی می‌شود که فرهنگ معینی ندارند و انسان در آن هویت مشخصی پیدا نمی‌کند. بنابراین بریده از فرهنگ معینی است که در حقیقت مبین دینامیسم نابرابری در مقیاس ملی و جهانی است که امکان شناخت صحیح این امر واقع اجتماعی را برای اتخاذ تدابیر و سیاست‌های مناسب برای حل این مشکل مهم اجتماعی فراهم می‌آورد (انتظاری، ۱۳۶۸: ۹۱). سازمانهای شهری همواره با تقاضاهایی از حاشیه نشینان برای تأمین خدمات و تسهیلات مورد نیاز آنان روبرو هستند. وضع نامطلوب اسکان آنان، ساختمان‌هایی بی‌قواره و کوچه‌های درهم و نامناسب بودن زمین اشغالی آنان، فراهم نمودن این خدمات را سخت و دشوار می‌سازد. اغلب از حاشیه نشینی به عنوان یک معضل اجتماعی نام برده می‌شود. در حقیقت نتیجه‌ای است از تخریب سیستماتیک روابط حاکم قدیمی بر اقتصاد کشور (به ویژه کشاورزی) طی دوران تکیه بر درآمد نفت و رواج الگوی مصرف‌گرایی و گسترش واردات (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۷۸: ۱۴۲). بورس بازان و رشوه خوران حداکثر استفاده و بهره‌برداری را از مردم و محل این اجتماعات کرده و می‌کنند. آسیب‌های اجتماعی مانند رواج بزهکاری و آدمکشی، اعتیاد به مواد مخدر یا پخش و فروش آن به سرعت در بین آنان گسترش می‌یابد. در جامعه شهری از آنان به عنوان افرادی بی‌فرهنگ نام برده می‌شود. مردم شهری تمایلی به

ایجاد ارتباط و تماس با آنان نشان نمی دهند. مساکن و محل های تجمع حاشیه نشینان صحنه رفت و آمد نامناسب و بافت زشتی را به جامعه شهری تحمیل کرده و موجب آشفتگی و ناهمگونی سیمای شهرها شده است. وجود آنان در جوامع شهری به یک دوگانگی عمیق زیستی منجر می شود. فضایی فاقد تسهیلات، تأسیسات و امکانات، آلوده و کثیف، در کنار خانه های گران قیمت، لوکس و آپارتمانها، نشان از فاصله طبقاتی زیاد و اختلاف درآمد بسیار بین این دو جامعه شهری دارد. شیب اجتماعی شهرها به واسطه وجود این طبقات تشدید شده است. افراد حاشیه نشین با پیاده کردن معماری بومی و با سلیقه های شخصی و به دلیل عدم اطلاع از اصول شهرسازی و معماری و استانداردهای خانه سازی به ایجاد خانه ها و کوچه های کج و درهم و برهم و نامنظم می پردازند. ایجاد بازارهای مصرف، تحمیل ترافیک سنگین به بافت شهر، تراکم و ازدحام بالای جمعیت در سطح شهر، رواج دستفروشی و دوره گردی و اغذیه فروشیهای غیر بهداشتی و ایجاد نا امنی برای ساکنین از پیامدهای دیگر حاشیه نشینی است.

نتیجه گیری

افزایش تعداد جمعیت با آهنگ رشد طبیعی خود و گرایش به شهرنشینی جمعیت، روندی است که در حال حاضر باعث بالا رفتن تعداد جمعیت شهرها به ویژه در شهرهای در حال توسعه شده است. بر اساس منابع موجود سرعت این روند یعنی گرایش به شهرنشینی در آینده بیشتر خواهد شد. بنابراین افزایش تصاعدی جمعیت شهرها سرانجام گریزناپذیری است که باید آن را به عنوان یک واقعیت پذیرفت. اما در این میان آن چه مهم به نظر می رسد، این است که افزایش شهرنشینی با شهری شدن فقر، در این گونه شهرها همراه است. به طوری که عده ای از ساکنان شهر توان جذب در مجموعه شرایط بازار کار و اسکان قانونی و رسمی شهر را ندارند. لذا با روی آوردن به بازار غیر رسمی و کاذب، موقت و ناپایدار به نیازهای زندگی خود در حد بخور نمیر پاسخ می گویند. این دسته از افراد در مساکن و محیط های فیزیکی زندگی می کنند که از داشتن حداقل امکانات زیستی شهری محرومند، این گونه سکونتگاه ها را حاشیه نشین یا غیر رسمی می نامند. شهر ارومیه یکی از این جمله شهرهاست، که با پدیده رشد سریع جمعیت رو به روست. در این شهر، اولین پیامد چنین روندی پیدایش انواع سکونتگاه های حاشیه نشین، زاغه نشین و اسکان غیر رسمی می باشد. ساکنان با وضعیت بسیار اسفبار زندگی و شکاف عمیق بین زندگی سطح انسانی در این محدوده با بافت اصلی شهر از جنبه های مختلف، اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی، کالبدی و زیست محیطی از ویژگی های منحصر به فرد آن می باشد که عواملی از قبیل مهاجرت های انسانی از نقاط فقیر روستایی و عشایری به این شهر و همچنین از شهرهای دیگر استان به این منطقه، فقر ساکنان و عدم توجه و نظارت مدیریت های امور مختلف اقتصادی، اجتماعی و شهری در سطوح مختلف محلی، منطقه ای و ملی در بروز چنین شرایطی موثرند. نتیجه این که توجه به این مساله که حاشیه نشینان در ارومیه (اسلام آباد

کشتارگاه) با تمام شرایط و ویژگی‌های خود یک عنصر منفی در سیستم شهری ارومیه محسوب می‌شود. با تداوم این روند مشکلات پر هزینه‌ای را به شهر و منطقه تحمیل خواهد کرد. از این رو ضرورت دارد تا هر چه زودتر مطالعات، تصمیم‌گیری و اقدامات لازم جهت جلوگیری از تداوم جریان حاضر و بهبود و ساماندهی شرایط اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی، کالبدی و زیست محیطی زندگی ساکنان این گونه سکونتگاه‌ها انجام گیرد. تا آن‌ها هم از حداقل هماهنگی و همگنی با بافت اصلی شهر از جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و دسترسی به امکانات و خدمات شهری برخوردار شوند. موقعیت نسبی ویژه‌ای که شهر ارومیه در فضای ملی و منطقه‌ای داراست، باعث شده است تا دولت توجه خاصی به توسعه آن داشته باشد. لذا با تعیین به عنوان مرکزیت سیاسی استان اقدام به تاسیس انواع اداره‌ها و سازمان‌های دولتی می‌کند. به تبع آن و از روی ضرورت بخش خدمات گسترش فوق‌العاده‌ای می‌یابد. که باعث پیدایش انواع مشاغل و کارگری دولتی می‌گردد. از طرفی هم به آن دسته از افراد که در بخش خدمات دولتی نمی‌توانستند جذب شوند، به دلیل ضعف دو بخش اقتصادی و تولیدی، یعنی کشاورزی و صنعت در این منطقه به ناچار به شغل‌های کاذب دیگر روی آورده‌اند. از آن جایی که شهر ارومیه هم سابقه اسکان جمعیتی نداشت، نیروی فعال مورد نیاز باید از طریق مهاجرپذیری تامین می‌شد، اما این روند تا زمانی که شهر توان جذب جمعیت را داشت، مثبت تلقی می‌شد. به مرور زمان که شهر از جذب جمعیت مهاجر و ارائه خدمات به آن عاجز ماند، جریان مهاجرپذیری شهر ارومیه مشکل‌ساز شده است. بدین گونه که مهاجران تازه وارد پس از ورود به شهر تحت تاثیر پس‌ران‌های شهری به حاشیه‌ها رانده می‌شوند. اسکان غیر رسمی ارومیه نیز نمونه بارز این واقعیت است. زیرا با گسترش شهر و محصور شدن زمین‌های گران‌شهر طبقات بالای جامعه شهری، قشر فقیر و کم‌درآمد بر عکس به سوی زمین‌های کم‌ارزش و مساله‌داری که دارای زمین‌های غیر مسکونی بوده‌اند، روی آورده‌اند. نتیجه اینکه زمین‌های کم‌ارزش داخل دره‌ها و ارتفاعات ارومیه و همچنین زمین‌های نامرغوب و آلوده‌ای که در مسیر عبور فاضلاب این شهر بوده‌اند، امکان تجمع حاشیه‌نشینان را به وجود آورده است. چرا که طبقات مرفه جامعه متقاضی این گونه زمین‌ها نیستند. از طرفی هم قوانین و مقررات شهر این گونه زمین‌ها را به کاربری مسکونی اختصاص نمی‌دهد. لذا قیمت آن‌ها نسبت به بخش رسمی شهر بسیار پایین است، ولی فاصله فیزیکی زیادی هم با شهر ندارند. از این رو افراد بی‌سرپناه که به دنبال یافتن حداقل سرپناه هستند، پاسخ نیاز به مسکن خود را در آنجا جست‌وجو می‌کنند. بدین ترتیب سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین تکوین و گسترش می‌یابند. نتیجه این که پدیده حاشیه‌نشینی با تمام ویژگی‌های خود با سرعت قابل ملاحظه‌ای رشد می‌کند و روز به روز با بافت اصلی شهر پیوند محکم‌تری برقرار می‌کند و به مرور زمان از این طریق اثرات ژرف‌تری بر شهر و کارکردهای شهر خواهد گذاشت. بر اساس نتایج تحقیق عامل اصلی مهاجرت از مبداء، فقر و بیکاری، و انگیزه اصلی از روی آوردن به شهر ارومیه، پیدا نمودن نوعی کار و دسترسی به

درآمد بوده است. علت اصلی گرایش مهاجران به اسکان در ارومیه، پایین بودن قیمت‌ها از جمله زمین ارزان و اجاره پایین مسکن می‌باشد. نتایج تحقیق بررسی شاغلان حاشیه‌نشینان بیان می‌کند که بیشتر ساکنان در بخش غیر رسمی مشغولند و از این طریق کسب درآمد می‌کنند. بیشتر آن‌ها در زمینه‌هایی فعالیت می‌کنند که منع قانونی دارد. از این رو محدوده سکونتگاهی حاشیه‌نشینان ارومیه، با همین وضع آشفته مناسب‌ترین فضا برای این‌گونه فعالیت‌هاست. فضایی که در آن واحد مسکونی چند منظوره است. به ویژه کارکرد اقتصادی آن واحد مسکونی مهم‌ترین کارکرد محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال غیر رسمی و فعالیت‌های غیر قانونی فضایی را می‌طلبد که در آن محدودیت‌های قانونی به حداقل می‌رسد و یا وجود ندارد. از نظر کالبدی علی‌رغم این که محدوده حاشیه‌نشین در طرح جامع و تفصیلی شهر ارومیه به عنوان یک ناحیه شهری تعیین شده و ضوابط و مقررات توسعه آن براساس استانداردهای شهری تعریف شده است، ولی وضعیت موجود کالبدی آن نشان می‌دهد که حتی درصدی از پیشنهادات طرح مذکور در آن اجرا نشده است. واحدهای مسکونی فاقد طرح و نقشه استاندارد هستند. مردم براساس توانایی مالی خود از بهترین و مرغوب‌ترین زمین‌های حاشیه‌ای بلوار تا ته دره‌ها و نوک تپه‌ها را به اشتغال بخش مسکونی در آورده‌اند.

پیشنهادات

- به رسمیت شناختن بافت‌های حاشیه‌نشین و غیر رسمی به عنوان یک واقعیت موجود. زیرا آن‌ها مجرم و محکوم نیستند، بلکه ضعف سیستم اجتماعی و اقتصادی جامعه آن‌ها را به آن‌جا کشانده است. بنابراین راه حل مساله را باید در دو نقطه شهر و روستا (سیستم ناحیه‌ای) جست و جو کرد.
- جمع‌آوری و ساماندهی فعالیت‌های غیر رسمی از سطح خیابان‌ها و پیاده‌روها و مکانیابی بهینه آن‌ها.
- تخصیص و ساماندهی سرانه‌های تاسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی مورد نیاز ساکنان ارومیه در سطح تعریف شده اندازه سکونتگاه شهری.
- تهیه برنامه‌ای کارآمد جهت پرداخت وام‌های کم بهره و طولانی مدت به اقشار فقیر جامعه در زمینه‌های تامین مسکن و کارآفرینی بر اساس توان افراد در صنف‌های مختلف.
- بازنگری در قوانین و مقررات و تصحیح یا تعدیل آن‌ها جهت روشن شدن وضعیت مالکیت‌ها و کاربری‌های زمین.
- به کارگیری سیاست توانمندسازی و بهسازی مشارکتی برای شرایط زندگی ساکنان ارومیه از طریق تشویق و هدایت آنان به مشارکت در کلیه مراحل تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای

- پروژه های بهسازی محیط. لازم به یادآوری است که انگیزه مشارکت جویی در بین ساکنان ارومیه بسیار بالاست.
- بالا بردن تخصص و مهارت نیروی کار موجود در نواحی حاشیه ی شهری، از طریق آموزش های - رسمی و فنی و حرفه ای و بالا بردن سطح تحصیلات و مهارت جوانان از راه تشویق آنان به فراگیری علم و دانش.
- ایجاد سرمایه گذاری در امور تولیدی و صنایع دستی به منظور ایجاد اشتغال برای افراد ساکن در مناطق حاشیه نشین.
- مدیریت شهری بخردانه برای ساماندهی و آمادگی پذیرش اسکان کم درآمدها در شهر، که این مدیریت بایستی به صورت بین بخشی و همراه با مشارکت اهالی شهر اعمال گردد.

منابع

- حسامیان، فرخ، گیتی، اعتماد، حائری، محمدرضا (۱۳۷۷)، شهرنشینی در ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگاه.
- ربانی، رسول و وارثی، حمیدرضا، و حسینی، محمدرضا و عریضی، فروغ السادات (۱۳۸۵)، بررسی عوامل موثر بر شکل گیری مسله حاشیه نشینی و پیامدهای آن در شهر اهواز، مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان.
- ربانی، رسول (۱۳۸۱)، جامعه شناسی شهری، انتشارات سمت.
- زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۶۹)، حاشیه نشینی، دانشگاه شیراز.
- مرکز آمار ایران (۱۳۳۵-۴۵-۵۵-۶۵-۷۵-۸۵-۹۰): نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مشهدی زاده دهاقانی، ناصر (۱۳۷۴)، تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- نقدی، رسول، زارع، صادق (۱۳۹۱)، حاشیه نشینی به مثابه آپاندیس شهری، جعفر آباد - کرمانشاه، فصلنامه علمی - تخصصی برنامه ریزی منطقه ای، سال دوم، شماره پنج، صص ۶۵-۸۱.
- عابدینی، اصغر (۱۳۸۷)، راهبرد بهینه جهت ساماندهی اسکان غیر رسمی، مورد: محله اسلام آباد کشتارگاه ارومیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
- شهرداری ارومیه (۱۳۹۲)، آرشیو اطلاعات.
- خاتم، اعظم (۱۳۸۰)، اسکان غیر رسمی و شهرداری ها، ماهنامه شهرداریها، شماره ۴۵، سازمان شهرداری های کشور.
- نقدی، اسداله (۱۳۸۶)، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، همدان، نشر فن آوران، چاپ چهارم، همدان.
- Bane .R.and Rawal. A. slums. A case study of Anand city. (۲۰۰۲). Available. at; www. I boro. as uk /wedc /papers .
- Chwdhury, farhat. Jahan and A.T. M Nurul. Amin. (۲۰۰۶): Environmental assessment in Slum. Improvement: some evidence from a study on infrastructure projects in two Dhaka slums. Environmental Impact Assessment Review ۲۶ . pp ۵۳۰ - ۵۵۲